

# قمر ملوک وزیری

پیروز جوهریان



## ۱ زندگینامه

### ۱.۱ محیط و شرایط خانوادگی

قمر الملوک وزیری در سال ۱۲۸۲ هجری ش. در تاکستان قزوین در یک خانواده مذهبی زاده شد<sup>۱</sup>. چهار ماه پیش از تولد قمر، پدرش درگذشت و مادرش هم در هجده ماهگی قمر از دنیا رفت. به این ترتیب قمر زیر سرپرستی مادر بزرگ خود ملا خیر النسا (ملقب به افتخار الذاکرین) قرار گرفت که نوحه خوان محافل زنانه مذهبی بود.

قمر در کودکی همراه مادر بزرگ خود به مجالس روضه خوانی میرفت و در فرصتهای مناسب در میان جمعیت راه میرفت و مرثیه میخواند. به این ترتیب، رفته رفته نخستین فوت و فنهای آوازخوانی را از مادر بزرگ خود آموخت و به گفته خود همین هم آوازیهای گاه و بیگاه با مادر بزرگش، پیشاپیش اعتماد به نفس او را تقویت کرده و شهامت در صحنه خواندن را به او بخشیده است.

منزل آنها در محله سنگلج<sup>۲</sup> تهران بود. مادر بزرگ قمر که به پادرد و بیماری فلج دچار بود نذر کرد که به کربلا برود و قمر را به خاله اش سپرد. دختر خاله قمر بعدها همسر مجد الصنائع شد که در منزل او نوازندگانی چون درویش خان، رکن الدین خان و حاجی خان مرآده داشتند. حضور در گرد هماییهای این بزرگان گوش و هوش قمر را از کودکی به جذبۀ موسیقی سپرد.

<sup>۱</sup> بنابر روایتی دیگر، اصل خانواده اش از کاشان بوده است.

<sup>۲</sup> از محله های قدیمی تهران، در ضلع جنوبی پارک شهر

هنگامی که قمر در خانه خاله اش بود، فرصتهایی پیش آمد که با سازی بخواند. اینطور شد که تفاوت خواندن با ساز و بی ساز را دریافت. پس از آن، قمر از مادر بزرگش خواست که استاد آوازی برای او در نظر بگیرد و گویا مدتی پیرمردی به این منظور به خانه آنان رفت و آمد میکرده است.

چندی نگذشت که این استاد اولیه که هویتش آشکار نیست چشم از جهان فرو بست. قمر و مادر بزرگش در پی یافتن استاد دیگری برآمدند. ولی در این میان مادر بزرگش هم فوت کرد. بنابراین روایتی، سرانجام سرنوشت استاد بحرینی را در سر راه قمر قرار داد و او پدرا نه در راه آموزش قمر کمر همت بست. قمر به تهران آمد و در خانه او اقامت گرفت و در مجالس انس او با موسیقیدانان سرشناس از جمله استاد نظام الدین لاجینی آشنا شد<sup>۳</sup>. به همت استاد لاجینی قمر برای نخستین بار، در ۱۶ سالگی، چندین تصنیف از عارف، درویش خان و غیره را برای کمپانی «پلیفن» ضبط کرد.

بنابر روایت دیگری، قمر از آموزش رضاقلی خان نوروزی معروف به نظمیبه نیز مدتی برخوردار شد. وی از خوانندگان اواخر دوره قاجار بود که چون در نظمیبه کار میکرد به این لقب معروف شده بود.

در سال ۱۲۹۹ در یک محفل عروسی که قمر هم دعوت شده بود از او خواستند بطور خصوصی قطعه ای بخواند. او تصنیفی خواند با شعر پژمان بختیاری با مطلع: «بیا مرغ حق امشب فغان نمایم». صدای قمر مورد توجه یکی از مدعوین که مرتضی خان نیداوود بود قرار گرفت<sup>۴</sup>. مرتضی خان تار را از دست نوازنده گرفت و با قمر همراهی کرد و پس از خاتمه آهنگ به قمر پیشنهاد کرد که برای آموختن دستگاه ها و آواز به کلاس او مراجعه کند. مدتی بعد قمر به کلاس نی داوود رفت و بیش از ۲ سال به آموختن ردیف موسیقی پرداخت.

### ۳۰۱ پایان عمر قمر

قمر در اواخر عمر دچار تنگیای مادی شد. سکنه مغزی ناقصی هم کیفیت صدایش را تا حدودی از او گرفت. چندی از دوستانش خانه ای برای او خریدند. در این زمان قمر برای امرار معاش در کاباره «شکوفه نو» تهران با شهبازی ۳۰ تومان، به خوانندگی مشغول شد. مسئولان این کاباره نوبت برنامه قمر را ساعت ۱۱:۳۰ شب گذاشته بودند، یعنی زمانی که بیشتر حاضرین مست و از خود بیخود هستند و حوصله شنیدن موسیقی ای به کیفیت کار قمر را نداشتند. از این رو، در پی شکایت مشتریان، بعد از چندی این کافه هم عذر قمر را خواست. قمر پس دوندگی زیاد توانست حق بازنشستگی ناچیزی از اداره رادیو دریافت کند.

سرانجام قمر در ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ در خانه دختر خاله اش جان سپرد. در روز تشییع جنازه او جز چند تن از اقوام نزدیک و جز تعداد اندکی از هنرمندان (مانند نیداوود، حسین تهرانی، بدیع زاده، ذبیحی)، هیچ کس دیگری شرکت نکرد. جسد قمر در گورستان ظهیر الدوله با سی نفر مشایخ و دو یا سه دسته گل به خاک سپرده شد.

در ۳۱ شهریور ۱۳۳۸، اداره انتشارات و رادیو مجلس یادبودی به مناسبت درگذشت قمر برپا کردند. در این جلسه، معینیان، مدیرکل رادیو، روح الله خالقی و معینی کرمانشاهی سخنرانی کردند. در آن جلسه، استاد نی داوود، قطعاتی را با تار همراه با آواز بانو روح انگیز اجرا کرد<sup>۵</sup>.

## ۲ زندگی هنری

### ۱۰۲ کنسرت Grand Hotel

قمر در آستانه ۲۰ سالگی، در سال ۱۳۰۳، نخستین کنسرت خود را در تالار گراند هتل<sup>۶</sup>، در خیابان لاله زار تهران برگزار میکند. در این کنسرت، استادش مرتضی خان با تار با او همراهی میکرد. کنسرتی سرنوشت ساز برای او و برای جامعه زنان هنرمند ایران.

این اولین باری بود که زنی در صحنه ای همگانی، در برابر مردان آواز میخواند. تا آن زمان، زنان یا در اندرونیهای شاهی یا در محافل در بسته اشرافی می توانستند آواز بخوانند.

به این موضوع در همه زندگینامه های قمر اشاره نشده، لذا صحت آن میتواند مورد تردید واقع شود<sup>۳</sup>

مرتضی خان نقل کرده است که آن شب به قمر گفته است که «صدای فوق العاده ای داری، هم گرم است و هم قوی؛ دو صفتی که کمتر یک جا جمع میشود». پس خاتمه مجلس آدرس کلاس خود را به او داده و گفته «شما به آموزش ردیف نیاز دارید»<sup>۴</sup>

از زندگی قمر فیلمی تهیه شده به نام «صدای ماه» ساخته فریاد شریفی (به خاطر داشتن تکخوان زن، مجوز پخش نیافته<sup>۵</sup>

یکی از تماشاخانه خیابان لاله زار، که عارف و عشقی در آن بهترین آثار خود را اجرا کرده بودند.<sup>۶</sup>



تصویر ۱. سالن گراند هتل

علاوه بر این قمر نخستین زنی است که در یک صحنه همگانی بی نقاب آواز خواند. به قول خود قمر «در آن زمان هر کس بدون چادر بود به کلانتری جلب میشده». ولی قمر پیشنهاد بدون حجاب رفتن روی صحنه را پذیرفت. لازم است بدانیم که در آن زمان حتی لقب آوازه خوان یک دشنام بوده است. مردان و زنان در خیابان با هم راه نمیرفته اند و در کنسرتها تنها اجازه شرکت نداشتند (رک. بخش ۳۰۳).

جنبه دیگر مورد اهمیت کنسرت Grand Hotel این بود که موسیقی دانان آزادیخواه و نوآور آن زمان را برانگیخت که با تکیه بر امکانات صوتی قمر به تصنیفسازیهای تازه روی آورند. عوام و خواص به خصوص روشنفکران زمانه شیفته صدا و شخصیت قمر شدند. شاعران و ترانه سرایان آرزو میکردند که قمر سروده هایشان را بخواند.



تصویر ۲. از راست به چپ: قمر، محمد علی امیرجاهد و مرتضی نیداوود.

## ۲۰۲ کنسرتهاى ديگر

در سال ۱۳۰۶، قمر به نفع شکرالله قهرمانی معروف به «شکری»، نوازنده قدیمی ولی از کار افتاده تار که به همکاری با عارف قزوینی شهرت داشت، کنسرت داد.

در سال ۱۳۰۹، قمر سفری به خراسان کرد و سرلشگر امان الله جهانبانی از او خواست که برای کمک به آرامگاهی که قرار بود به مناسبت هزارمین سال فردوسی ساخته شود کنسرت دهد. قمر هم پذیرفت و در این کنسرت به طور افتخاری آواز

۷ ساسان سپنتا، چشم انداز موسیقی ایران

خواند. قمر در این مورد میگوید<sup>7</sup>: «امیر جهانبانی به مناسبت کنسرت که در آن به طور افتخاری آواز خوانده بودم، از من تشکر کرد. با آنکه جهانبانی برای ساختن آرامگاه فردوسی زحمت کشید، با این وصف بسیاری از پولها را رندان خوردند. در آن سفر خراسان آنچه دریافت داشتم یک قالیچه یادگاری بود که یکی از تجار به من هدیه داد و یک دست لباس افغانی که صولت السلطنه به یادگار سفر مذکور به من بخشید».

در سال ۱۳۱۰، قمر به اتفاق نیداوود برای اجرای کنسرت به همدان، تبعیدگاه عارف قزوینی، رفت (رک. به بخش ۲۰۶). عواید این کنسرت صرف احداث یک سینما در همدان شد.

در سال ۱۳۱۳ قمر به کرمانشاه رفت و کنسرتی با همراه مرتضی خان نیداوود برگزار کرد. همچنین کنسرت در رشت به همراه تار موسی خان معروفی. در مورد این کنسرت موسی خان میگوید: «با اینکه بهای بلیط ۵۲ تومان بوده، هنگام بازگشت هیچکدام ما پولی نداشتیم، زیرا خانم قمر درآمد حاصله از کنسرت را به زنباهی که در شالیزار کار میکردند بخشید.»

### ۳۰۲ ضبط صفحه

شهرت روزفزون قمر باعث شد که کمپانیهای ضبط صفحه برای صدای او نماینده به تهران اعزام کنند. مرتضی نیداوود نقل میکرد که کمپانی His Master Voice دستگاه ضبط صفحه ای مخصوص قمر به تهران آورد. همچنین کمپانی پلیفن نیز به منظور ضبط صدای قمر دستگاه ضبط به تهران آورد. کمپانی برای ضبط صفحه یک آواز و یک تصنیف میخواست. به این منظور به مدت ۶ ماه محمدعلی امیرجاهد هفته ای دو تصنیف برای قمر میساخت. قمر یک شبه تصنیف را می آموخت و فردای آن روز به درستی اجرا میکرد. صفحات مذکور در سال ۱۳۰۵ در تهران ضبط شد و در سال بعد در آلمان تکثیر شد. چنانکه ذکر شد این ضبطها دوره دوم ضبط صدای قمر بود. پیش از آن، در دوران نوجوانی قمر صفحاتی را برای کمپانی پولیفن ضبط کرده بود (رک. ۱۰۲).

در اغلب این صفحات قمر با تار مرتضی نیداوود و یا ارسلان درگاهی همکاری کرده است. در برخی دیگر از این صفحات هم موسی نیداوود (برادر مرتضی) با ویولون و مرتضی محجوبی با پیانو با تار همراهی کرده اند. در صفحات اولیه قمر هم تار میرزا حسین اعتضادی که نابینا بود شنیده میشود.

در سال ۱۳۳۰، قمر در یک فیلم سینمایی به نام «مادر» محصول پارس فیلم شرکت کرد و در چند صحنه آن جمعا به طول ۲۰ دقیقه ظاهر شد. در این فیلم که دلکش نیز در آن شرکت داشت، قمر قطعه ای هم در آواز افشاری خوانده است. قمر عمده درآمد خود از این فیلم را به بیمارستان مسلولین هدیه کرد.

در تصویر زیر، نمونه هایی از صفحات قمر را میتوان دید. از چپ به راست: عاشقی محنت بسیار کشید با تار امیر ارسلان درگاهی (۱۹۲۷)، آواز نوا (۱۹۳۲) و آتش دل در دشتی (۱۹۳۷) که هر دو با تار و ویولن مرتضی و موسی نیداوود و پیانوی مرتضی محجوبی است.



تصویر ۴. نمونه هایی از صفحات قمر

### ۴۰۲ همکاری با رادیو

از سال ۱۳۱۹ که رادیو در تهران تأسیس شد، قمر با رادیو همکاری کرد برنامه هایی با سنتور حبیب سمعی، ویولون صبا و حسین یاحقی و تار و ویولون برادران معارفی اجرا کرد. به این ترتیب قمر اولین زنی بود که صدای آوازش از رادیو پخش شد.

در سالهای آخر همکاری قمر با رادیو، ایستگاه رادیو دارای دستگاه ضبط صوت مغناطیسی شد و مقدار زیادی نوار از این برنامه ها ضبط شد. ولی به دلیل ناشیگری مسئولین و یا احتمالاً حسادت تازه به دوران رسیده ها همه این نوارها پاک شد و به مصارف دیگر رسید.

تها اثری که از قمر در آرشیو رادیو باقی ماند برنامه ایست در افشاری همراه با تار اسماعیل کمالی، از شاگردان نیداوود، این نوار چون بعد از سکتۀ ناقص او ضبط شده معرف کیفیت صدای قمر نیست. پس از سکتۀ دوم، قمر که به کلی صدایش را از دست داده بود رابه رادیو دعوت میکنند. در این برنامه که در حضور چند تن از خوانندگان وقت (مانند الاهی، ... )، قمر فقط اشک میریزد و به جز چند کلمه نمیتواند چیزی به زبان بیاورد.

## ۵۰۲ شهرت قمر

در مورد شهرت قمر داستانهایی بسیار است. مردم برای شرکت در کنسرتهايش سر و دست میشکستند. بلیت کنسرتها به بهای بسیار بالا، بین ۲۰ تا ۳۰ تومان (یعنی برابر حقوق یک کارمند عالیرتبۀ آن زمان) به فروش میرفت. در این زمان بود که در سینما سپه تهران کنسرتی ۶ روزه برای او ترتیب دادند که به دنبال استقبال بی سابقۀ مردم این کنسرتها تا ۶ هفته تمدید شد.

شرکت کنندگان در کنسرت که در تمام طول برنامه خاموش و سراپا گوش بودند، بعد از پایان برنامه به سوی صحنه میشتافتند و به رسم آن دوران، آنچه از پول، انگشتر و جواهرات و پیشکشهایی که همراه داشتند را به سوی قمر پرتاب میکردند. قمر هم عواید کنسرتهايش را در همان خروجی سالن کنسرت به فقرا میبخشید (رک. به بخش ۳).

بعد از انتشار صفحات قمر (۱۳۰۵) شهرت او دو چندان شد. در آن زمانها، صاحب هر قهوه خانه ای به خاطر صفحه های قمر به هر قیمتی یک گرامافون میخرید و آن وقت جلوی قهوه خانه شلوغ میشد.

حکایت زیر هم شاهد و نمایشگر شهرت و منزلت قمر در آن دوران بود: یک شب بعد از اجرای کنسرت در گراند هتل، تیمور تاش وزیر دربار رضا شاه، یاد داشتی برای او فرستاد و از او خواست که به خانه اش برود. قمر از رفتن خود داری کرد و زیر یاد داشت نوشت: «اگر تو تیمور تاشی، من هم قمرم!»<sup>۸</sup>

## ۶۰۲ قمر و روشنفکران آزادیخواه

میرزاده عشقی

یکی از شعرایی که به صدا و شخصیت قمر علاقمند شد، میرزاده عشقی بود. او شاعر، مدیر روزنامه و آزادیخواهی بود به علت مقالات و اشعار سیاسی مدتی به زندان افتاده بود. سرانجام در سال ۱۳۰۳ ه.ش. در جریان یک سوء قصد جان باخت. قمر چند سال بعد به همراهی حسین یاحقی صفحه ای در ابوعطا و حجاز به یاد عشقی ضبط کرد با این مطلع:

هزار بار مرا مرگ به از این سختی است  
برای مردم بدبخت مرگ خوشبختی است  
این صفحه که در برلین تکثیر و در ایران به بازار عرضه شد، با صدای حسین یاحقی آغاز میشود که میگوید: «به یاد شاعر ناکام میرزاده عشقی». این صفحه در سال ۱۳۰۶ در ایران پخش شد تا اینکه خرید و فروش و شنیدن صفحه در دوران رضا شاه ممنوع شد.

عارف قزوینی

قمر چندین تصنیف از عارف ضبط کرده بود تا اینکه، در سال ۱۳۱۰، به اتفاق استاد و همکارش مرتضی خان برای کنسرتی به همدان رفت. در همدان عارف کنج انزوا گزیده بود و معاشرت کسی را نمیپذیرفت. قمر از بدو ورود به همدان خواست به دیدن عارف برود. کسانی که عارف را میشناختند گفتند که عارف کسی را نمیپذیرد. سرانجام، روز سوم، قمر به دیدار عارف میرود و از عارف دعوت میکند که همان شب در کنسرت او حاضر شود. عارف نیز در اوایل شب به مهمانخانه میرود و به اتفاق قمر به محل کنسرت میروند. پس از پایان کنسرت چند گلدان نقره به قمر هدیه میدهند که بهترین آنها از طرف شاهزاده نیرالدوله بود. قمر آن گلدان را به عارف هدیه میکند. روز بعد نیرالدوله از قمر گله میکند و او را وادار میکند که در کنسرت شب بعد توضیح دهد که به مناسبت ارادتی که از پیش به عارف داشته گلدانها را به او هدیه کرده است.

۸ رضا وهدانی، ماهنامه آدینه، شماره ۱۲۹، ص. ۱۹، به نقل از ساسان سپنتا

تصنیف «مارش جیمهوری» ساخته عارف نیز از صفحاتی بود که قمر ضبط کرده بود و به دستور سردار سپه جمع شد. در اختیار داشتن این صفحه جرم بود و مجازات زندان در پی داشت. در همان سفر همدان، قمر حکایت دیگری نقل میکرد که شاهد محبوبیت و معرف خصلت آزاده اوست. جوانی در همدان قهوه چی بوده و از شنیدن صفحه های قمر شیفته صدای او میشود و از همدان برای قمر نامه مینوشت. قمر بعد از شب اولین کنسرت تصمیم میگیرد او را ببیند. معلوم میشود که جوان بیچاره را به جرم داشتن صفحه «مارش جیمهوری» دستگیر شده و در زندان است. قمر وقتی از این جریان مطلع میشود از رئیس شهربانی مصرا میخواهد که آن جوان را آزاد کند.

ایرج میرزا

از دیگر شاعران که دوست قمر بوده ایرج میرزا است که گویا عاشق او هم بوده است (مانند «عاشقی محنت بسیار کشید» ساخته نیداوود در دستگاه همایون). قمر چند تا از اشعار او را اجرا کرده و در ستایش قمر ایرج هم ابیاتی سروده، مانند

ای نوگل باغ زندگانی	ای برتر و بهتر از جوانی
ای شبم صبح در لطافت	ای سبزه تازه در نظافت
مام تو چو آفتاب زاده	نامت از چه رو قمر نهاده
قمر هم در سوگ عارف تصنیف «امان از این دل»	(ساخته امیرجاهد) را خواند که میگوید :
ای گنج دانش ایرج کجایی	در سینۀ خاک پنهان چرایی
تا بوده در این دنیای فانی	کی برده از خوبان بجز رنج جدایی



تصویر ۵. از راست به چپ : عشقی، عارف و ایرج میرزا

### ۳ خصایل اخلاقی

#### ۱۰۳ سخاوت افسانه ای

سخاوت قمر افسانه ایست. میگویند قمر تمام درآمد کنسرت گراند هتل را به نوازندگان پرداخت (رک. بخش ۲۰۱). پس از آن کنسرت قمر بسیار مشهور شد. بلیتهای کنسرتش به بهای گران بفروش میرفت (۲۰ تا ۲۵ تومان یا حتا بیشتر، برار با حقوق ماهانه یک کارمند عالیرتبه). بسیاری از قدرتمندان نیز به او سکه های طلا هدیه میدادند. اما قمر هیچیک از آن هدایا و هیچ پولی از کنسرتهایش را برای خود نگاه نمیداشت. میگویند جلوی در هتلاها و تالارهایی که در آن کنسرت داشت، فقیران و یتیمان جمع میشدند که بعد از کنسرت از قمر کمک بگیرند.

استاد صبا نقل میکند که شبی به اتفاق نوازندگان دیگر با قمر کنسرت داشته است و هنگام خارج شدن از تالار، فقری نزد قمر میاید و طلب کمک میکند. قمر همان جا همان پاکتی که برگزارکنندگان به او داده بودند را، بدون اینکه آنرا باز کند و از موجودیش با خبر شود به آن فقیر میدهد. صبا میگوید که آن شب به ما نوازندگان نفری ۵۰۰ تومان دادند، حتما به قمر دست کم ۲ یا ۳ هزار تومن داده بودند. ولی قمر پاکت را بدون اینکه باز کند و بدون اینکه مبلغی برای خود نگاه دارد، همه را به فقیر داد. داستانهای از این قبیل زیاد است. هر کس با قمر آشنا بوده شاهد این گونه ماجراها هم بوده است.



اولین ازدواج قمر در سن ۱۴ سالگی بوده که بعد از یک ماه به طلاق انجامید. ازدواج دوم هم به خاطر مخالفت‌های شوهرش با ادامه زندگی حرفه‌اش به متارکه انجامید. مرتضی خان نیداوود نقل میکند که قمر بسیار عاشق پیشه بود، خیلی زود عاشق میشد و دل میباخت. از این جمله رابطه عاشقانه‌ای که قمر با ایرج میرزا داشته است.

### ۳۰۳ تجدد طلبی

دوران جوانی و شروع کار قمر مصادف بوده با اوایل سلطنت پهلوی. از این رو در طبقات روشنفکر موج تجدد طلبی شدت گرفته بود. حتی در روزنامه‌ها بحث مشارکت زنان در امور اجتماعی نیز مطرح شده بود. از این رو بخش پیشرو جامعه برای ظهور قمر به عنوان بانوی اول آواز ایران آمادگی داشت.

حضور شجاعانه قمر به عنوان آوازه خوان زن، بدون حجاب در تالارهای عمومی، باعث شد که علینقی خان وزیری که تازه به ایران بازگشته بود، خواهان شرکت زنان در کنسرتها شود. تحقق این امر سرانجام با پیگیری مذاکرات وی با مقامات وقت به وجود می‌آید. مقرر میشود که هفته‌ای یک شب خانمها هم بتوانند در کنسرت شرکت کنند.

### ۴ سبک و ویژگیهای خوانندگی

همانطور که از مرتضی خان نیداوود نقل شد، صدای قمر هم گرم بود و هم قوی. مرتضی خان میگفت که به ندرت این دو خصوصیت در یک نفر جمع میشود: مثلاً صدای حبیب شاطر حاجی (خواننده اصفهانی) بسیار قوی بود ولی گرما و جذابیتی نداشت. صدای قمر حتی از صدای او قویتر بود ولی گرم و زیبا.

وسعت صدای قمر در حد mezzo soprano<sup>9</sup> بود. او به راحتی تحریرها را در بم و اوج اجرا میکرد. به این دلیل قمر میتوانست، مثلاً اوج دشتی یا اوج اصفهان را در پرده‌های بالا بخواند و مجبور نبود مانند بسیاری از خوانندگان دیگر اوج را در پرده‌های بم بخواند. از این نظر در خوانندگان زن، فقط با روح انگیز قابل مقایسه است. نکته قبل ذکر دیگر دقیق بودن و سر پرده خواندن اوست که حتی در تحریرها و غلتهای پیچیده و متوالی صدای او از پرده خارج نمیشد.

تحریرهای قمر بسیار متنوع بود. استاد خالقی نقل میکنند<sup>10</sup> که طاهرزاده به او گفته است «که وقتی صدای قمر را شنیدم خیال کردم خودم میخوانم». به گفته خالقی همین گفته طاهرزاده کافیست که به ارزش و مقام قمر در خوانندگی پی ببریم. استادی قمر هم در قطعات آوازی و هم در تصنیفها به صورت چشمگیری مشاهده میشد.

### ۵ آثار ضبط شده

در طول زندگی ۵۴ ساله قمر، از صدای او ۴۲۶ صفحه ضبط شده، که در این میان قطعات بیشمار آوازی و نزدیک به ۲۰۰ تصنیف میتوان یافت (و حدود ۲۳ صفحه هم از بین رفته است). ضبط اولین صفحات او در سال ۱۳۰۵ است<sup>11</sup>. متأسفانه کمپانیهایی که صفحات او را میساخت در جنگ جهانی از بین رفت و امروز صفحات نواز صدای او کمتر پیدا نمیشود. جالب است بدانیم که قمر عایدی اولین ضبط صفحه‌اش را به خرید و هدیه کردن ۷۰ تختخواب به شهرداری اختصاص داد که به امر نگهداری و آسایش بچه‌های بی سرپرست به کار رود.

### ۱۰۵ تصنیفهای قمر

۱- از عارف قزوینی:

○ تا رخت مقید نقاب است (اصفهان)

○ مارش جمهوری (دستگاه؟)، عارف خود این قطعه را ۱۳ مارس ۱۹۲۴ در کنسرت خوانده بود)

<sup>9</sup> از سل ۲ پایین تا ل ۴

<sup>10</sup> سرگذشت موسیقی ایران، بخش اول، صفحه ۳۴۱

<sup>11</sup> بنا بر روایاتی، قمر پیش از این تاریخ هم تصنیفهایی از عارف به روی صفحه ضبط کرده بوده است (رک. ۱۰۲).

○ گریه کن که گر (دشتی)

○ ای دست حق (افشاری)

○ چه شورها (شور)

۲- از درویش خان و ملک الشعرا بهار

○ ز من نگارم (ماهور)

○ در بهار امید

○ چه کنم از فراغت

○ صنما بخدا

○ عاشقم من (روی پیشدرآمد همایون درویش خان)

۴- ساخته نیداوود

○ مرگ مادر (شعر از ایرج میرزا)

○ نگار من

○ روزگار گذشته

○ پرده غفلت

○ زن در جامعه

○ آتش دل (شعر پیمان بختیاری، دشتی)

○ دل خسته

○ شبی یاد دارم که چشم نخفت (بیات ترک، شعر سعدی)

○ مرغ سحر (اجرا در کنسرت Grand Hotel ۱۳۱۳) ولی اولین ضبط ضبط ملوک ضرابی

○ هدیه عاشق (اولین ضبط توسط ملوک ضرابی)

۵- از امیر جاهد (شعر و موسیقی، همراه با تار ارسلان درگاهی)

○ نرگس مست (شور : تا من آن نرگس مست تو دیدم، دین و دل دادم و مهرت خریدم)

○ شود جان من

○ بهار است و هنگام گشت (بیات ترک : بهار است و هنگام گشت، به هر باغ صحرا و دشت)

○ کشور دل (ماهور)

○ امان ز هجر رخ یار (ابو عطا)

○ هزارستان به چمن (چهار گاه)

○ به گردش فروردین (ماهور، به یاد درویش خان)

○ نرگس مست (شور)

○ در ملک ایران (دشتی)

○ امان از این دل (در سوگ ایرج میرزا، سگاه)

○ ای نوع بشر (اصفهان)

○ به گردش فروردین (ماهور، بیاد درویش خان)

۶- دیگران

○ موسم گل ساخته معروفی، شعر وحید دستگردی (آواز دشتی)

○ ز فروردین شکفته شد چمن ساخته دیحیی زرپنجه (شعر از بهار، ماهر)



- ۱- ساسان سپنتا، چشم انداز موسیقی ایران ، انتشارات مشعل، تهران ۱۳۶۹
- ۲- حسین مشحون، تاریخ موسیقی ایران ، انتشارات سیمرغ، تهران ۱۳۷۳
- ۳- روح الله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران ، چاپ دوم، گلبهار، تهران ۱۳۵۳
- ۴- سعید مشکین قلم، تصنیفها، ترانه و سرودهای ایران زمین ، انتشارات خانه سین، تهران ۱۳۷۷
- ۵- سایت اینترنتی <http://www.persiandiscography.com>